

دکتر مجید طالب‌تاش، دارای
 دکترای علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر
 و استاد دانشگاه آزاد اسلامی و در
 حال حاضر معاون پژوهش‌گدهی قرآن
 و عترت این دانشگاه است. از ایشان
 تاکنون مقالات و پژوهش‌های متعددی
 به چاپ رسیده است تألیفات ایشان در
 حوزه‌ی علوم قرآنی هم بسیار است. او علاوه
 بر استاد راهنمایی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد
 و استاد مشاور بودن، تدریس دروس گوناگون
 علوم قرآنی را در دانشگاه، بر
 عهده دارد. مقاله‌ی
 ایشان با عنوان «تدبر
 در قرآن»، در چند
 شماره‌ی متوالی
 به چاپ خواهد
 رسید، امید است برای
 تدریس درس قرآن در دوره‌ی
 متوسطه مفید فایده
 واقع شود.

دکتر مجید طالب‌تاش
 استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی

درآمد بر تدبر در قرآن

جریان تدبر
 درآمد

تدبر یعنی گذر از ظاهر و اندیشیدن در ورای آن تا چهره‌ی باطن امور جلوه‌گر شود و عاقبتش برملا گردد. «کاویدن باطن» و «عاقبت‌اندیشی» دو خصوصیت اساسی تدبر به‌شمار می‌آیند. تلاش برای کشف عاقبت امور، به‌ناچار انسان را از سطح به عمق می‌کشاند و در نتیجه، از حصار و حدود مادیت بیرون می‌آورد. به‌علاوه، انسان را با عوالم برتر و ملکوت اشیا آشنا می‌سازد. آن‌چه آفت این آشنایی است، همان روزمرگی و حال‌نگری بدون توجه به سیر امور از گذشته تا حال و آینده است. «یعلمون ظاهراً من الحیوه الدنیا و هم عن الآخره هم غافلون» [روم / ۷]: مردم، ظاهری از زندگی پست‌تر را می‌شناسند و یکسره از زندگی نهایی و متعالی به‌شدت بی‌خبرند.

﴿جریان تدبیر﴾

تدبیر یعنی گذر از ظاهر و اندیشیدن در ورای آن تا چهره‌ی باطن امور جلوه‌گر شود و عاقبتش بر ملا گردد. «کاویدن باطن» و «عاقبت‌اندیشی» دو خصوصیت اساسی تدبیر به‌شمار می‌آیند. تلاش برای کشف عاقبت امور، به‌ناچار انسان را از سطح به عمق می‌کشاند و در نتیجه، از حصار و حدود مادیت بیرون می‌آورد. به‌علاوه، انسان را با عوالم برتر و ملکوت اشیا آشنا می‌سازد. آن چه آفت این آشنایی است، همان روزمرگی و حال‌نگری بدون توجه به سیر امور از گذشته تا حال و آینده است. «یعلمون ظاهراً من الحیوه الدنیا و هم عن الاخره هم غافلون» [روم / ۷]: مردم، ظاهری از زندگی پست‌تر را می‌شناسند و یکسره از زندگی نهایی و متعالی به‌شدت بی‌خبرند.

دقت در جریان امور و عاقبت سیر آن‌ها، بذر معرفت و ایمان و یقین استوار را در سرزمین انسانی می‌پاشد و آن را بارور می‌کند. «النظر فی العواقب تلقیح القلوب» [بحارالانوار، ج ۷۸: ۹۸]: تأمل و دقت در عاقبت امور، دل‌ها را بارور می‌گرداند.

این جریان تدبیر، همان سیری است که **ابراهیم(ع)** در رسیدن به کمال معرفت و وصل به حق و دستیابی به یقین طی کرد که با پاک‌طلبی فطری، نکته‌سنجی و نقادی عمیق، جرئت و شجاعت در پذیرش نتیجه‌ی تحقیق و بررسی، و ایستادگی بر سر دفاع از حق و حقیقت همراه بود. «و کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض و لیکون من الموقنین» [انعام / ۷۵]: و بدان‌گونه (حرکت برای نقادی افکار و عقاید خانواده و محیط)، ما به ابراهیم ملکوت حوزه‌های باطن آسمان‌ها و زمین را می‌نماییم، برای این‌که از یقین‌کنندگان باشد.

آن‌چه ما را در حصار روزمرگی قرار می‌دهد، از هوس‌ها و امیال خویش پیروی کردن است. آن‌که قدر و ارزشی بیش از حیوان برای خود نمی‌شناسد و فروغ فطرت را زیر خروارها هوس‌ورزی مدفون ساخته است، نمی‌تواند از ظاهرینی حیوانی و حال‌نگری خود را بیرون بکشد، مسائل را در سطح گسترده نظاره کند و متوجه اعماق امور شود. از این‌رو، قرآن برای دریدن حجاب‌های غفلت و شکستن این دیوار حال‌نگری هشدار می‌دهد که چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند. «افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها» [محمد / ۲۴]: آیا آن‌ها در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ یا بر دل‌هاشان قفل نهاده شده

است؟! (ترجمه‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی)

و در این نهیب و هشدار، ریشه‌های عدم تدبیر را می‌نمایند: «أرأیت من اتخذ الهه هواه أفأنت تكون علیه وکیلاً ام تحسب ان اکثر هم یسمعون او یعقلون ان هم الا کالانعام بل هم اضل سبیلاً» [فرقان / ۴۴-۴۳]: آیا دیدی آن کس که معبودش را هوای خویش قرار داد؟ آیا تو بر او گماشته هستی (تا هدایتش کنی) یا به محاسبه گمان می‌کنی که اکثر آنان حق را می‌شنوند یا آن را تعقل می‌کنند؟ آنان جز چارپایان نیستند، بلکه گمراه‌ترند.

﴿مرور مکرر آیات﴾

در جریان تدبیر، مرور مکرر آیات به همراه تأنی و دقت‌نظر، در کشف نکات نهفته و روابط پنهان در آیات بسیار مؤثر است. استمرار این جریان، با قرائت آهنگین و حزن‌آمیز بسیار قوت می‌گیرد. تأثر از موسیقی آیات در کنار درک مقدماتی از آن، قوای ادراکی و مشاعر را بسیار حساس می‌سازد و ظواهر زیبای آیات را بسیار پر رمز و راز و عمیق جلوه‌گر می‌کند. در این حال، آیات هم‌چون گوهرهایی تابناک اندیشه‌های غوای را به‌سوی خود می‌کشند. در احادیث متعددی این مرور مکرر آهنگین آیات از پیامبر و معصومین گزارش شده است: **ابوذر** نقل می‌کند که شبی تا صبح پیامبر خدا در میان ما به قیام، آیه‌ی ۱۱۸ مائده را مکرر تلاوت می‌کرد [درالمنثور، ذیل آیه‌ی شریفه].

زهری می‌گوید **امام سجاد(ع)** هر وقت در نماز به آیه‌ی «مالک یوم الدین» می‌رسید، آن قدر آن را تکرار می‌کرد که نزدیک بود جان دهد [نورالثقلین، ج ۱: ۱۹].

داودبن فرقد نقل کرده است که **امام صادق(ع)** را شنیدم که بیش از حد شمارش آیه‌ی «مالک یوم الدین» را قرائت می‌کرد [پیشین].

تکرار آیات در شرایط روحی مناسب، در تعمیق و تدبیر بسیار مؤثر است و می‌تواند پیوسته اسرار و رموزی را که در آیات نهفته‌اند، بیشتر و بیشتر بر تدبیرکننده آشکار سازد.

﴿شناخت مراتب تدبیر﴾

براساس بیان **امام حسین(ع)** قرآن، چهار مرتبه‌ی فهم و تدبیر را داراست:

۱. مرتبه‌ی «عبارت قرآن» که برای توده‌های مردمی

است، از هر قشر و طبقه‌ای که باشند.

۲. مرتبه‌ی «اشارات قرآن» که برای خواص مردم از مجتهدان و مفسران است.

۳. مرتبه‌ی «لطایف قرآن» و نکته‌سنجی‌های دقیق و عمیق آن که مختص شاگردان معصومین، علمای ربانی و اولیای الهی هم‌چون ابوذر و سلمان در صدر اسلام و علامه طباطبایی و امام خمینی(ره) در عصر حاضر است.

۴. مرتبه‌ی «حقایق و جان‌بی‌پرده‌ی قرآن» که مختص معصومین، اعم از پیامبر(ص) و اهل بیت مطهر ایشان است. «کتاب الله عزوجل علی اربعة اشياء: علی العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق، فالعبارة للعوام، و الاشارة للخواص، و اللطائف للاولیاء، و الحقائق للانبیاء» [همان، ص ۲۰].

مرتبه‌ی عبارات، سطح ترجمه‌ی قرآن را در نظر دارد، نه صرف قرائت الفاظ را که جنبه‌ی مقدماتی دارد. از این‌رو برای دیگر زبان‌ها، استفاده از ترجمه‌ی دقیق و بلیغ آیات، مبنای تدبر و تعمقشان قرار خواهد گرفت. در این سطح، معانی حاصل از ترجمه با توجه به کیفیت بیان و سیر مفاهیم، با استفاده از جایگاه تعبیرات گوناگون در عرف بشری و با تکیه بر عقل انسانی مورد تدبر قرار می‌گیرد و از این راه معانی جدید و عمیقی در حد قابلیت فکری و روحی متدبر نصیب او می‌شود.

موضوع بهره‌مندی مستقیم توده‌ها از قرآن امر غریبی نیست، چرا که قرآن کتاب تفصیلی فطرت انسان است. از این‌رو، توده‌های مردمی پاک‌طلب می‌توانند از این خوان گسترده‌ی الهی بهره‌های فراوان جویند. در صدر اسلام، بسیار شنیده شد که عده‌ای با گوش سپردن به آیاتی چند یا یک سوره از قرآن که بر زبان پیامبر اسلام جاری گشت، متحول شدند، به حقیقت پیام قرآن پی‌بردند، با دل و جان اسلام را پذیرفتند و احکامش را گردن گرفتند. در صحنه‌ای شخصی پس از شنیدن «سوره‌ی زلزال» ابراز می‌کند که دیگر بس است و به راه می‌افتد. رسول اکرم(ص) در این صحنه می‌فرماید: «فقه الرجل»: این شخص فقیه شد و جان پیام را دریافت کرد. در سوره‌ی جن آمده است که در جریان استماع تلاوت پیامبر توسط طایفه‌ی جن، آن‌ها با شنیدن آیاتی چند به اهداف رسالت قرآن و عمق پیام آن پی‌بردند و به راه افتادند تا قومشان را با آگاهی‌بخشی و بیم و هشدار به دین الهی دعوت کنند.

تکرار آیات در شرایط روحی مناسب، در تعمیق و تدبر بسیار مؤثر است و می‌تواند پیوسته اسرار و رموزی را که در آیات نهفته‌اند، بیشتر و بیشتر تدبرکننده آشکار سازد

﴿مراتب تدبر و تذکر در قرآن﴾

در قرآن کریم، دو مرتبه‌ی کلی از تدبر در آیات را می‌توان مشاهده کرد: تدبر عمومی و تدبر اختصاصی. «کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب» [ص / ۲۹]: کتابی که آن را به سوی تو فرستادیم، بسیار با برکت است؛ برای این‌که در آیات آن بیندیشند و صاحبان خرد متذکر شوند.

تعبیر «لیدبروا آیاته» نظر به تدبر عمومی دارد که همه‌ی مردم را دربرمی‌گیرد. اما تعبیر «لیتذکر» به‌طور اختصاصی مرتبه‌ی اولوالالباب را مورد عنایت قرار می‌دهد که عنوان مشترک مرتبه‌ی «اشاره، لطیفه و حقیقت» است. گویا آنان از مرتبه‌ی تدبر عمومی گذشته و به مرتبه‌ی تذکر به اشارات و لطایف و حقایق رسیده‌اند. آیه‌ی ۵۲ «سوره‌ی ابراهیم» نیز بیانگر همین رویکرد خردمندان به آیات قرآن است: «هذا بلاغ للناس ولینذروا به ولیعلموا انما هو اله واحد و لیتذکر اولوالالباب»: این بیانات، پیام‌رسانی برای عموم مردم است، و برای آن است که به‌واسطه‌ی آن، انذار داده شوند و برای این‌که بدانند که او خدای یکتاست و برای این‌که صاحبان خرد متذکر حقایق شوند.

﴿خود را مخاطب قرآن دیدن﴾

از پیامبر(ص) نقل است که فرمود: «انت تقرأ القرآن مانهاک فاذا لم ینهک فلسن تقرؤه»: مادامی قرآن می‌خوانی



جریان تلاوت راستین با جریان تدبیر وحدت دارد و آن جریان است که از قرائت آیات شروع می‌شود، با فهم حقایق آن ادامه می‌یابد و با تحقق عملی آن پایان می‌یابد

انفسهم...» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۳]: با آن (تلاوت قرآن)
جان خویش را محزون می‌دارند.

از این رو اگر شأن درمانگری قرآن را شناسیم و یا این که
خود را بیمار محتاج و نیازمند به درمان ندانیم، به چنین حزن
و اندوهی نخواهیم رسید. ضمن این که چنانچه حزن و اندوه
باشد، اما شیوه‌ی تدبیر در آیات را ندانیم و با جریان تدبیر آشنا
نباشیم، صرفاً از آهنگ آیات متأثر خواهیم شد، اما این تأثیر
عمیق نخواهد بود و به درمان نهایی دردهای درون خویش
دست نخواهیم یافت.

عمق گریه برای درمان درد، علاوه بر شأن طبابت
انحصاری قرآن و شأن خویش، با درک پیام آیات نیز مرتبط
است. با این حال تأثیر ابتدایی از درک اجمالی بیماری خویش،
خود حزن آور و منقلب‌کننده است؛ خصوصاً وقتی که قرائت
قرآن با آهنگی مناسب صورت گیرد. به همین دلیل در روایات
آمده است که در حال خواندن قرآن، یا گریه کنید و یا خود را
به گریه بزنید: «قرؤوا القرآن و ابکوا فان لم تبکوا فتبکوا، لیس
منامن لم یتغن بالقرآن». قرآن را بخوانید و گریان شوید و اگر
گریه نکردید خود را به گریه بزنید؛ چرا که از ما نیست کسی
که قرآن را با موسیقی خاص خودش بخواند.

کاوش در آیات برای درمان خویش

«... و یستشترون به داوه دائهم...» [نهج البلاغه، خطبه‌ی
۱۹۳]: و به واسطه‌ی تلاوت قرآن، داروی درد خویش را در
قرآن جست‌وجو می‌کند.

پس از توجه به جریان آیات، طرح سؤال، درنگ، فهم و
تدبیر در پیام آیه، و مخاطب دین خود و تحزین نفس، نوبت
کاوش برای استخراج داروی درد خویش از میان آیات مورد
تدبیر فرامی‌رسد؛ چرا که قرآن در کنار بیان دردها، بلافاصله از
درمان آن‌ها سخن می‌گوید.

طبابت افکار فاسد و ارواح آلوده‌ی بشری، شأن اساسی
قرآن و معصومین (علیهم‌السلام) است؛ طبابتی که درمان
بزرگ‌ترین دردهای بشری را برعهده دارد. «ان فیه شفاء من
اکبر الداء و هو الکفر و النفاق و الغی و الضلال» [نهج البلاغه،
خطبه‌ی ۱۷۶]: به‌راستی که در آن درمان بزرگ‌ترین
بیماری‌ها، یعنی کفر و نفاق و تباهی و گمراهی است.

دردها و بیماری‌هایی که حیرت حیوانی و قساوت صخره‌ای
را به ارمغان آورده‌اند: «فهم فی ذلک کالانعام السائمة و الصخور
القاسیه» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۰۸].

که تو را نهی می‌کند. بنابراین اگر تو را نهی نکرد، درواقع قرآن
نمی‌خوانی.

در جریان تدبیر، از پس کندوکاو و پی بردن به پیام قرآن،
باید خود را مخاطب پیام‌ها و انذار و بشارت‌های آن ببینیم.
قرآن، کتابی صرفاً برای خواندن یا فیلمی تنها برای تماشا
نیست، بلکه هم‌چون کارگردانی است که متناسب با واقعیت
نفسانی و شرایط فکری و روحی مخاطب، نقشی از او را در
صحنه‌های خویش به نمایش می‌گذارد. از این رو، ما به‌عنوان
مخاطب قرآن، باید خود را صاحب نقشی در صحنه‌های
مطرح‌شده در آیات ببینیم. در این صحنه باید دید با توجه
به شرایط فکری، روحی و اخلاقی که هم‌اکنون در آن به‌سر
می‌بریم، چه نقشی را ایفا و چه موضعی را اتخاذ می‌کردیم و در
چه راهی گام می‌نهادیم. با این توجه، صحنه‌های آیات برایمان
ملموس و عینی می‌شوند و هشدارها و بشارت‌های آن تا عمق
جان ما تأثیر می‌گذارند.

در این جاست که ما با آینه‌ی قرآن، شخصیت خویش و
نهایت کارهایمان را به عینه مشاهده می‌کنیم و از چهره‌ی
خویش به هراس می‌افتیم. در نتیجه، ناله‌مان به آسمان
برمی‌خیزد و وحشت‌زده به متکلم قرآن پناه می‌جویم تا با
کلامش دردمان را درمان کند.

محزون کردن خویش

حزن، گریه و تقلب روحی در برابر خداوند بزرگ، نتیجه‌ی
طبیعی جریان انس با قرآن و تدبیر در آن است. «... یحزنون به

آن کس که از درد غفلت و سرگشتگی به خود می‌آید و خود را از روشنائی حکمت و تابش علم سودمند محروم می‌بیند، چه عاشقانه و دردمند روی به معشوق می‌آورد و درمان می‌طلبد. این درمان طلبی، عاشق را به خلوت شب می‌کشاند و به مناجات با معشوق و انس با قرآن می‌نشانند. چرا که معشوق از خلال قرآن سخن می‌گوید و در آن به نهایت تجلی کرده و به درمان نشست است:

«ألا من اشتاق الی الله فلیستمع کلام الله»: کسی که شوق به سوی خدا دارد، باید به سخن خداوند گوش بسپارد.

«جلاء هذه القلوب ذکر الله و تلاوه القرآن»: ذکر خداوند و تلاوت قرآن مایه‌ی جلا و صیقل دل‌هاست.

در این‌جا باید توجه داشت، جریان تلاوت راستین با جریان تدبیر وحدت دارد و آن جریان‌ی است که از قرائت آیات شروع می‌شود، با فهم حقایق آن ادامه می‌یابد و با تحقق عملی آن پایان می‌یابد. از این‌رو جریان کاوش در قرآن برای اخذ داروی درد خویش، باید به کار بستن نسخه‌ی قرآن را در پی داشته باشد.

از امام صادق (ع) نقل است که درباره‌ی «یتلونه حق تلاوته...» فرمود: «به شیوه‌ی ترتیل آیاتش را می‌خوانند و معانی‌اش را فهم می‌کنند و به احکام آن عمل می‌نمایند و امید به وعده‌ی الهی دارند و از عذابش در خوف و هراس به‌سر می‌برند و قصص آن را مجسم می‌بینند و از مثل‌هایش عبرت می‌گیرند. اوامرش را اجرا می‌کنند و از محرماتش دوری می‌گزینند. و آن-به خدا سوگند- صرفاً با حفظ آیات و چینش حروف و تلاوت سوره‌ها و تحقیق یک‌دهم و یک‌پنجم حاصل نمی‌شود. آنان حروفش را حفظ و حدودش را تباہ کردند. و جز این نیست که آن (حق تلاوت) همان تدبیر در آیاتش می‌باشد، چرا که خداوند می‌فرماید: آن کتابی بسیار با عظمت است که بر تو فرورستادیم، بسیار پرخیر و برکت است تا در آیاتش تدبیر نمایند و تا صاحبان خرد متذکر گردند [ص / ۲۹].»

رسالت قرائت‌کننده قرآن

امام باقر (ع) در توصیف دسته‌ی برتر از قاریان قرآن می‌فرماید: «این قاری قرآن، کسی است که قرآن را قرائت نموده و داروی قرآن را بر بیماری قلب خویش نهاده، شب را با بیداری به صبح رسانده و روزش را به تشنگی سپری کرده است. با قرآن در مصالحتش به‌پا خاسته و به واسطه‌ی آن از رخت‌خواب پهلوی تهی کرده است. و به واسطه‌ی آنان، خداوند بلا را برطرف می‌کند و از دشمنان انتقام می‌کشد، و به خاطر

آن‌ها باران نجات‌بخش را از آسمان فرو می‌فرستد. پس به خدا سوگند، اینان در میان قاریان قرآن از گوگرد کمیاب‌ترند.» این بیان امام روشن می‌کند که قاری، پیش از آن که به قرائت قرآن بپردازد، می‌باید کام تشنه‌ی خویش را از مشرب الهی قرآن سیراب ساخته، دردهای درونی خود را بر قرآن عرضه کرده و درمان آن را در قرآن یافته باشد. هم‌چنین انس با قرآن، تمام فکر و اندیشه‌ی او را به خود مشغول داشته باشد، به گونه‌ای که تعلیمات قرآن بر تمام وجود او اثر گذاشته و قلبش را روشن و منور گردانیده باشد.

امیرالمؤمنین (ع) در توصیف پارسیان، آنانی را قاریان قرآن معرفی می‌کند که ترتیل قرآن جانشان را به حزن کشانده باشد: «اما در شب، قدم‌ها را به صف کشیده‌اند، درحالی که اجزای قرآن را تلاوت می‌کنند و آن‌ها را به نحو خاصی با ترتیل می‌خوانند. به واسطه‌ی این ترتیل قرآن، جانشان را به حزن می‌کشند و به واسطه‌ی آن، داروی دردشان را برمی‌انگیزانند. هرگاه به آیه‌ای گذر می‌کنند که در آن تشویق است، بدان چشم امید می‌بندند و جانشان از شوق به سوی آن پر می‌کشد و به یقین باور دارند که آیه در برابر گذشتگان نصب شده است. و چون به آیه‌ای گذر کنند که هشدار و اندازی دربردارد، با گوش جانشان برای استماع بدان میل می‌کنند و به یقین باور دارند که گویی نعره‌ی جهنم و طنین صدایش در عمق گوششان قرار دارد» [نهج‌البلاغه/ خطبه‌ی ۹۳].

از این سخنان می‌توان دریافت که مهم‌ترین وظیفه‌ی قاری، روشن کردن درون خویش به نور قرآن و کشف داروهای قرآنی برای دردهای درون است تا بدین وسیله، «الگو» و «اسوه‌ی» دیگران در بهره‌گیری از قرآن قرار گیرد. در واقع قاری، خود ابتدا مرحله‌ی قرائت تا تدبیر در قرآن را عملاً طی کرده است و سپس تلاوت خویش را به دیگران نیز عرضه می‌دارد و آن‌ها با مشاهده‌ی او و گوش سپردن به قرائت او، خود به قرائت و تدبیر در قرآن روی می‌آورند. هم‌چنان که قرائت قرآن به خواندن آیات با آهنگ موزون و محزون ختم نمی‌شود، بلکه خواندن، نخستین گام به شمار می‌آید که نهایتاً به تدبیر و عمل در زندگی می‌انجامد، الگوگیری دیگران از قاری نیز تمام مراحل فوق را دربرمی‌گیرد. به این معنا که قاری در خواندن، فهم، تدبیر و عمل به آیات، الگوی نهایی عمومی مردم جامعه‌ی اسلامی است. این امر مسئولیت خطیر قاریان قرآن را آشکار می‌سازد.

«یا ایها الناس قد جاءکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمه للمؤمنین» [یونس / ۵۷].